

آینه

تاریخ

یادداشت: «استعداد بی اجرا مکافات دارد»؛ مسعود کیمیایی

روشنفکر و هنرمند روشنفکر امروز با صدایی خسته و ضرب‌خورده در میان دولت و مردم ایستاده. آقای دکتر حسن روحانی در سخنرانی تالار وحدت کاملاً آزادی هنرها را به جامعه و بافت اجتماعی موجود قول می‌دهد و این است که این بنده را به هیچ‌یک از سخنرانی‌های رییس دولتی نمی‌بینید، مگر آنجایی که توان روشنفکر هم تک‌نمای از توان‌های تصمیم‌گیر باشد. آقای روحانی حرف‌های شما در آن شب این بنده را به یاد بسیاری از سخنرانی‌های سیاسی، اجتماعی در جهان که از گلولی زخمی انسان‌های بزرگ که به سوی مردم رودخانه شده، انداخت. هر آن کس که از آزادی، آزادی هنرها و فرهنگ بگوید قلب رنج‌کشیده و در بند ملتی را به شادمانی دعوت کرده است. خدا به شما یاری اجرا بدهد. من همیشه گفته‌ام خدایا اگر استعداد می‌دهی اجرای آن را هم مرحمت کنی‌د که استعداد بی اجرا مکافات بسیاری دارد.

کیتان

«نه علف هرز، هنر است و نه انسان بی درد، هنرمند»
آیسا منظور رییس‌جمهور از اینکه اعلام کرده‌اند کارت زرد مجلس را برای دولت نگرانی نمی‌دانند و به امثال آقای جنتی افتخار می‌کنند این است که دولت عادلانه قرار است نسبت به ترویج ایحای گری در عرصه فرهنگ بی تفاوت باشد اما با منتقدان این روند با ابزار توقیف نشریه رفتار کند؟..
اظهارات رییس‌جمهور درباره بی‌معنادانست تقسیم هنرمند به ارزشی و غیرارزشی در حالی است که برخی از همین هنرمندنامه، علیه ارزش‌های اسلامی، انقلابی و ملی هنتاکا یا دهن کجی کرده و همچنین در فتنه‌انگیزی و آشوب‌طلبی نیابتی دشمن، نقش‌آفرینی می‌کردند و این در حالی است که به‌عنوان مثال آقای روحانی مواضع صریح و تندى علیه فتنه‌گران داشته و آنها را عوامل بیگانه و اسباب امیدوارشدن دشمن خوانده است. از سوی دیگر با توجه به کسوت دینی و طلیبگی آقای روحانی، انتظار نمی‌رود رویکرد سکولاریستی به هنر از سوی ایشان توجیه شود. البته یک احتمال به این است که آقای روحانی هنرمندنامه‌ای معارض با اصول و ارزش‌ها را ذاتا هنرمند نمی‌دند.

نارایت

سر مقاله: «شب تکریم هنر»؛ محمدکاظم انبارلویی
چهارشنبه‌شب هفته گذشته رییس‌جمهور در جمع هنرمندان، دیدگاه‌های خود را درباره «هنر» و «هنرمندان» مطرح کرد. روزنامه ایران، راگان دولت تیترا اول خود را به همین خبر اختصاص داد و نوشت: «شب تکریم هنر» اولین جمله‌ای که رییس‌جمهور در تکریم هنر و هنرمند گفت این بود که «تقسیم هنرمندان به ارزشی و غیرارزشی بی‌معناست» رییس‌جمهور تاکید کرد، «هر یعنی ارزش و هنرمند فرد ارزشمندی است».. آیا هنر یعنی ارزش و هنرمند فرد ارزشمندی است و هیچ نوع تقسیم‌بندی‌ای در نگاه به هنر و هنرمند وجود ندارد؟ رییس‌جمهور در همین سخنرانی از ارزش‌های الهی یاد کرد. پس هنر مبنی بر توحید با هنر مبتنی بر شرک، کفر و الحاد می‌تواند اولین تقسیم‌بندی در هنر و نگاه به هنرمندان باشد. آیا هنرمندی که دعوت به صلح، اعتدال، پاکدامنی و پرهیز از خشونت می‌کند یا هنرمندی که دعوت به خشونت، سکس، دنیاپرستی و ناپاکی می‌کند مسلوی هستند؟ آیا هنرمندی که در مسیر تبلیغ و ترویج دین و سبک زندگی براساس آموزه‌های قرآن و آلباب الهی حرکت می‌کند یا هنرمندی که در مسیر تبلیغ سکولاریسم و آموزه‌های کفرآلود مدرنیسم در قالب تفکر فاشیسم، لیبرالیسم و سوسیالیسم حرکت می‌کند مسلوی است؟.. عرصه «تولی» و«تبری» در هنر کجاست؟ آیا هنرمندی که دنبال دفاع از آزادی و حریت است و در راه مبارزه با استبداد جان خود را فدا می‌کند یا هنرمندی که در استخدام استبداد با آزادی و حریت می‌جنگد مسلوی است؟

جموری اسلامی

محکمی برای چک استراوا

جک استراوا، وزیر خارجه اسبق انگلیس و رییس گروه دوستی مجلس این کشور با ایران در سفر خود به تهران گفت: «تحریم‌های اعمال شده علیه ایران از ابتدا اشتباه بود»؛ اگر جک استراوا، به این سخن اعتقاد دارد، می‌تواند آن را در مجلس انگلیس دنبال کند و با تصویب طرحی، دولت متبوع خود را از هراهمی با تحریم‌های ضد ایرانی منوع سازد و کاری کند که تحریم‌های گذشته نیز لغو شوند.

تاریخ امروز

سر مقاله: «رانت‌خوار خوب رانت‌خوار بد»؛ محسن جندقی
موضوع رانت ۵۰میلیون‌یورویی یک بهدکار بزرگ بانکی در دولت فعلی، تناقض در رفتار و گفتار دولتمردان را بیش‌ازپیش آشکار کرد. این اتفاق مشخص کرد مسئولان، اقداماتی که دیگران انجام داده‌اند را رانت و ویژه‌خواری و کسبی تحریم می‌دانند اما تصمیم‌هایی که خود می‌گیرند را تسبیب می‌خوانند. دولت از یک طرف دستور و بخشنامه می‌دهد که با متخلفان اقتصادی برخورد شود و از طرف دیگر در مورد یک نمونه رانت‌خواری و ویژه‌خواری که در دولت فعلی رخ می‌دهد سیاست حمایت‌را پیشه می‌کند. احمد توکلی، عضو ناظر شورای پول و اعتبار، هفته گذشته با جزییات بسیار زیاد، اطلاعاتی از ویژه‌خواری و رانت‌خواری «۴۵میلیون‌یورویی یک بهدکار بزرگ بانکی برای نماین کالاهای اساسی می‌دهد اما دولت نتنها در این مورد اقدام نمی‌کند بلکه به بانک مرکزی دستور می‌دهد اگر افرادی دیگر مشابه این فرد قصد دریافت ارز از بانک مرکزی دارند به آنها هم ارز بدهید!»

سیاست

رییس مرکز بین‌المللی مطالعات صلح در گفت‌وگو با «شرق»:

برخی با شعارهای افراطی، خواهان شکست مذاکرات هستند



اعظم ویسمه

دکتر سیدسلمان صفوی، رییس آکادمی مطالعات ایرانی در لندن و رییس مرکز بین‌المللی مطالعات صلح (IPSC) برادر سرلشکر، رحیم صفوی و یکی از بنیانگذاران و فرماندهان سپاه پاسداران انقلاب اسلامی در اصفهان تا سال ۱۳۶۱ بوده که اکنون سال‌هاست در لندن زندگی می‌کند و چند ماهی از سال را نیز در تهران می‌گذراند. این روزها درگیر برگزاری همایش شیخ‌صفی‌الدین در کتابخانه ملی و در تهران است. با او درخصوص عملکرد دولت روحانی در چند ماه گذشته به‌ویژه در حوزه دیپلماسی به گفت‌وگو نشستیم. صفوی معتقد است: «جریان افراطی که در هشت‌سال گذشته مملکت را به رکود کشانید و اقتصاد و موقعیت بین‌المللی ایران را تخریب کرد، با شعارهای افراطی و پوپولیستی مذهبی خواهان شکست مذاکرات است، نگاه دولت به سیاست داخلی، سرنوشت وعده‌های انتخاباتی رییس‌جمهور و سفر هیات پارلمانی اتحادیه اروپا و حواشی آن از دیگر محورهای این گفت‌وگو بود. به گفته صفوی «حمایت جریان قدرتمند جبهه اصلاح‌طلب–متشکل از طیف متنوعی از نیروهای حامی آقای سیدمحمد خاتمی، آیت‌الله رفسنجانی، دکتر عارف و آقای ناطق‌نوری– موجب پیروزی دکتر روحانی شد. ایشان برخاسته از این پایگاه اجتماعی است. نیروهای محافظه‌کار و احزاب رسمی روحانیت نظیر جامعه روحانیت مبارز با وجود حمایت از افراد غیرروحانی نتوانستند جامعه را از رای دادن به یک روحانی پراگماتیست بازدارند، اما چنانچه دولت دکتر روحانی به هر دلیل موفق نشود تعهدات خود پیرامون مسائل داخلی و خارجی را محقق کند با ریزش نیروهای حامی خود مواجه می‌شود و هیچ نیرویی از جبهه کثیرالاضلاع محافظه‌کاران نیز به او نخواهد پیوست.»

ایران نمره منفی دولت در دیپلماسی است.
✎ برخی تصویب تحریم‌های جدید علیه ایران توسط آمریکا در روزهای اخیر را به منزله شکست مذاکرات ژنو ارزیابی می‌کنند. تحلیل شما از این موضوع چیست؟
باید بیدار بود و توجه داشت که لابی قدرتمند صهیونیست‌ها بهمره پرداخت میلیاردهالار عربستان در آمریکا و فرانسه، در پی بی‌اثر کردن توافقات ژنو هستند. باید هوشیار باشیم که در دام تبلیغات رسانه‌ای دشمن نیفتیم. تحریم‌های جدید با توافقتنامه مغایرتی ندارد، اما با روح دوستی و تلاش برای ایجاد اعتماد در تغایر است.
✎ ارزیابی شما از آینده مذاکرات ایران و غرب در موضوع پرونده هسته‌ای ایران و تبعات آن بر تحریم‌های علیه ایران چیست؟ به نظر شما چه کسانی در تحریک کشور و چه جریاناتی در خارج خواهان شکست مذاکرات در پرونده هسته‌ای هستند؟ با توجه به اینکه اولویت دولت دکتر روحانی مساله هسته‌ای است، شکست آن چه تبعاتی برای آینده سیاسی دولت در داخل و رای‌دهندگان دارد؟

جریان افراطی که در هشت‌سال گذشته مملکت را به رکود کشانید و اقتصاد و موقعیت بین‌المللی ایران را تخریب کرد، با شعارهای افراطی و پوپولیستی مذهبی خواهان شکست مذاکرات است. در خارج نیز صهیونیست‌ها و عربستان مهم‌ترین فعالان علیه توافق ایران و قدرت‌های جهانی هستند. در صورتی که دولت دکتر روحانی نتواند مشکلات روابط بین ایران و آمریکا را کاهش دهد و تحریم‌ها را مرتفع کند یا تقلیل دهد، با تقلیل جایگاه خود در مناسبات داخلی قدرت و کاهش حمایت افکار عمومی مواجه خواهد شد که به زیان منافع امنیت ملی کشور است.
✎ در شرایط کنونی موفقیت در عرصه دیپلماسی تا چه حد به امنیت عمومی و ملی حاضر گره خورده و از اهمیت برخوردار است؟

بخش مهمی از امنیت ملی کشور با جایگاه ایران در مناسبات بین‌المللی ارتباط وثیق دارد. چنانچه دیپلماسی دولت دکتر روحانی موفق شود حداقل دشمنی غرب با

از کشور می‌شوند. همان‌طور که ما با منتقدان غرب در کشورهای‌شان ملاقات می‌کنیم، ملاقات آنها با منتقدان حکومت ایران نیز– اگر به اقتدار خود باور داشته باشیم– نباید موجب نگرانی و هیاهو شود. چنان‌که ملاقات ما چندین‌ماه قبل با نخست‌وزیر اسکاتلند که خواهان استقلال از بریتانیاست، با هیچ هیاهویی مواجه نشد یا ملاقات ما با استقلال طلبان اندلسیا مورد اعتراض دولت اسپانیا قرار نگرفت.

✎ انتقادی که این روزها نسبت به دولت دکتر روحانی طرح می‌شود این است که این دولت پشتوانه اجتماعی– سیاسی ندارد و در صورت عدم تحقق شعارهای انتخاباتی خود، مخالفان جدی پیدا می‌کند.

این تحلیل را تا چه حد قبول دارید؟

حمایت جریان قدرتمند جبهه اصلاح‌طلب– متشکل از طیف متنوعی از نیروهای حامی آقای سیدمحمد خاتمی، آیت‌الله رفسنجانی، دکتر عارف و آقای ناطق‌نوری– موجب پیروزی دکتر روحانی شد. ایشان برخاسته از این پایگاه اجتماعی است. نیروهای محافظه‌کار و احزاب رسمی روحانیت نظیر جامعه روحانیت مبارز با وجود حمایت از افراد غیرروحانی نتوانستند جامعه را از رای دادن به یک روحانی پراگماتیست بازدارند. اما چنانچه دولت دکتر روحانی به هر دلیل موفق نشود تعهدات خود پیرامون مسائل داخلی و خارجی را محقق کند با ریزش نیروهای حامی خود مواجه می‌شود و هیچ نیرویی از جبهه کثیرالاضلاع محافظه‌کاران نیز به او نخواهد پیوست.

دکتر روحانی در دوران انتخابات شعارهایی همچون رفع حصر را مطرح کرد، اکنون مشاور ایشان آقای آشنا گفته است حاکمیت از سویی و حصرشدگان از سوی دیگر، باید به یک مصالحه برسند. نظر شما درباره این‌گونه‌موضع‌گیری‌ها چیست؟

با شناختی که از تفکر و منش آقایان روحانی و شمخانی دارم امیدوارم این مسایل هرچسمریع تر مدبرانه حل‌وفصل شود. حکومت با قلابتیت، با آزادی زندانیان سیاسی به‌خصوص زندانیان مرتبط با انتخابات سال ۸۸، می‌تواند با تقویت آشتی ملی، از موضع قدرت و استحکام داخلی، با دولت‌های مغرور و مستکبر خارجی مذاکره کند. زنده‌کردن قضایای تاسف‌بار سال ۸۸ صرفاً موجب تشدید انشقاق اجتماعی می‌شود. ملت بزرگ ایران با حیا و جوانمردی و اعتماد مجدده به صندوق رای، در انتخابات ۱۴ خرداد ۹۲ شرکت کردند؛ حکومت نیز باید در عمل، به این اعتماد مجدد مردم ارج بگذارد.

قوهقضاییه نیز باید با قاطعیت، عوامل اصلی واقعه جانگذاز کهپرک را به اشد مجازات برساند تا دنیا و مردم، قانع شوند که ساحت‌نظام‌جمهوری اسلامی از چنین اعمالی میراست. قوققضاییه با مستکبر و محاکمه مفسدان اقتصادی که در طول هشت‌سال گذشته میلیاردهاتومان اختلاس کردند، می‌تواند مردم را نسبت به بی‌طرفی و پاکی این قوه متقاعد کند. ریاست محترم قوهقضاییه انسان پاک و درستی است، مدیریت قوه زیر نظر ایشان، سبب می‌شود با مجرمان واقعی که به آبروی نظام لطمه وارد کرده‌اند قاطعانه برخورد شود. اظهارات آقای علی مطهری نیز به‌عنوان فردی حق‌طلب و معتدل باید اجرایی شود.

آن مدیرانی که در طول هشت‌سال گذشته اقتصاد مملکت را به فلات کشاندند و اموال بیت‌المال را با سوءمدیریت تخریب کردند باید محاکمه شوند تا مشخص شود هشتصدمیلیارددلار درآمد دولت گذشته از فروش نفت و اموال و کار خانیات دولتی و پیش‌فروش‌ها کجا هزینه شده است. این اموال متعلق به همه ملت است و حق ملت است که بداندن بر سر این درآمدهای گراف چه رفته است؟ قوهقضاییه به‌عنوان مدعی‌العموم با ورود به این موضوع باید متخلفان را در هر مقام و موقعیت محاکمه کند. محل امنیت ملی کسانی هستند که مملکت را در مسایل اقتصادی و سیاست خارجی به این وضعیت کشاندند، برای بسیاری از احاد ملت اسباب تنگنای معیشتی فراهم کردند و با گسترش فقر و فساد به امنیت عمومی جامعه آسیب رساندند؛ نه چند نویسنده و فعال سیاسی و خبرنگار که صدایشان حداکثر به چند دهه‌زار نفر می‌رسد. مطالبه ملت، مجازات سران سوءمدیریت سیاسی، اقتصادی و فرهنگی کشور در دوره هشت‌سال گذشته است. در عین حال باید به مدیران دولت گذشته که خدم، لایق، کارشناس و دلسوز بوده‌اند احترام گذاشت و از تجربیات آنها بهره برد.

مسلمانان به خوشبختی و آزادی برسند و همیشه برده و اسیر دست دشمنان اسلام باشند.»
او گفت: «ایجاد تنش با اختلافات فرقه‌ای، مذهبی، قومی، زبانی و… از دسیسه‌های شوم دشمنان اسلام برای دستکاری آنان به اهدافشان است و این مساله، ضرورت حفظ اتحاد و انسجام میان مسلمانان را بیشتر می‌کند. امام جمعه اهل سنت زاهدان گفت: «مسلمانان باید حق و حقوق یکدیگر را بر رسمیت بشناسند و از حقوق یکدیگر دفاع کنند و بر اساس رعایت عدالت و حق یکدیگر به اخوت و برادری برسند.»
مولانا عبدالحمید افروز: «قرآن با صراحت مسلمانان را به تحمل یکدیگر فراخواند و گفت: «مسلمانان شیعه و سنی با هر تفکر و گرایشی که دارند در چارچوب اسلام باید اختلاف را کنار بگذارند و اخوت و برادری را رعایت کنند.» امام جمعه اهل سنت زاهدان افزود: «چرا مسلمانان اجازه می‌دهند که کشورهای غربی و روسیه برایشان تصمیم بگیرند؟ چرا دولت‌مردان، علما و اندیشمندان جهان اسلام با هم نمی‌نشینند و خودشان اختلافات، مشکلات و چالش‌های کشورهای اسلامی مانند مساله مصر، سوریه، عراق و… را حل نمی‌کنند؟ زیرا مسلمانان را از یکدیگر جدا کرده‌اند و مسلمانان با یکدیگر قهر هستند.»

ادامه از صفحه اول

ستون‌های دوگانه مذاکره

با وقوف بر این نسکات متوجه می‌شویم که صحنه مذاکره شکل می‌گیرد تا حل‌وفصلی به‌وجود آید و اینکه سرمیاهای انسانی و مادی به جای کشتار و تخریب در مسیر تعاملی به کار گرفته شوند. برای تحقق چنین اهدافی مذاکره‌کنندگان باید از دودویژگی برخوردار باشند. برای اینکه نیازهای موجودیتی و روانی بازیگران دو سوی میز مذاکره تأمین شود، تنها هنگامی باید یا به صحنه مذاکرات گذاشت که هر طرف میز مذاکره، ظرفیت تجلی بخشیدن به دو ویژگی را داشته باشد. زمانی که هریک از طرف‌های مذاکره مجز به این ویژگی‌ها باشند می‌توان انتظار داشت که در پایان گفت‌وگوها، تفاوت‌های ماهوی در روابط به‌وجود آید و کشورهای دوسوی میز مذاکره به خواست‌ها و نیازآز کلبیدی خود دست یابند. این به آن معناست که هدف از نشست پای میز مذاکره شکست‌دادن طرف مقابل و اعلان پیروزی نیست بلکه دستیابی به نیازهای موجودیتی و روانشناختی است که در بسیاری از مواقع، تحقق این‌ها کمترین هزینه‌ای را برای هیچ‌یک از بازیگران به‌وجود نمی‌آورد. آمریکا به‌عنوان یکی از دو ابرقدرت در صحنه جهانی در دوران جنگ سرد، در مذاکرات صلح پاریس در سال ۱۹۷۵ شرکت کرد و آنچه را شدیداً دنبال آن بود در نهایت به‌دست آورد و خشوند صحنه مذاکرات را ترک کرد. آمریکا خواهان این بود که ویتنام شمالی اجازه دهد آمریکا، ویتنام را در چارچوب یک توافقتنامه با امضای نماینده دفتر سیاسی منتخب هوشی‌مین ترک کند. آمریکا پذیرفت بود که در انجام اهداف خود با ناکامی مواجه شده است، پذیرفته بود که سقوط حکومت ویتنام جنوبی غیرقابل اجتناب است و پذیرفته بود که باید از این سرزمین نیروهای نظامی خود را خارج کند. آمریکا با به صحنه مذاکره گذاشت برای اینکه ویتنام شمالی در چارچوب یک قرارداد شرطی را فراهم آورد که آمریکا بتواند با ادعای دستبرد در دستاوردهای مثبت از ویتنام خارج شود. حال باید به طرح آن پرداخت که دودویژگی حیات‌بخش یک مذاکره موفقیت‌آمیز چه هستند. بازیگران باید هنگامی با به صحنه مذاکرات بنگارند که از ابرار تشویق برخوردار باشند. هر زمان مذاکره‌کننده در یک سوی میز در مسیری گام بردارد که نیازهای بازیگر سوی دیگر میز مذاکره را برآورده کند، بازیگری که نیازهایش برآورده شده باید سریعاً به تشویق طرف مقابل بپردازد و بخشی از نیازهای او را تأمین کند تا او حرکت در این مسیر را ادامه دهد. مذاکره‌کنندگان باید از آن حجم از ظرفیت‌ها، توانمندی‌ها و ابزارها برخوردار باشند که قادر به این باشند که رفتارهای مناسب یکدیگر را تشویق و امتیازدان را ترغیب کنند. هریک از بازیگران خواست‌های کارنه و نیازهایی را به صحنه می‌آورد. پس ضروری است که برای شکل‌دادن به مذاکرات سوموندن این توانایی و ظرفیت وجود داشته باشد تا با به کارگیری ابزار تشویق، از طریق امتیازدادن، این نیازها برآورده شوند. ویژگی دیگری که مذاکره‌کنندگان باید آن را به صحنه آورد توانایی در تنبیه‌کردن است. هر زمان یکی از طرفین مذاکره، ظرف طرف دیگر را نادیده بگیرد و راه تحقق آن خواست مانع‌تراشی کند، باید طرفی که دستیابی به خواست‌هایش با مانع‌تراشی مواجه شده سریعاً به تنبیه بازیگر مانع‌تراش بپردازد و امتیازهایی را که اعطا کرده پس بگیرد و با اینکه مانع در راه تحقق نیازهای موجودیتی و روانی او به وجود آورد، نیاز به برخورداری از توانایی برای تنبیه‌کردن از این و حق خواست‌ها است که تجلی سیاست‌های اتلاف وقت و یا صادق نبودن را فرصت ندهد. با درنظرگرفتن این نکات متوجه می‌شویم که دو سونی که حیات‌یافتن مذاکرات پویا، سازنده و تاثیر گذار را فراهم می‌کنند، برخورداری طرفین مذاکره‌کننده از ابزارهای تشویق و تنبیه است. دلایل جذابیت‌بخش هر نشست متفاوت است، کشورهای شرکت‌کننده در هر گروه‌هایی فرق می‌کنند و طبیعتاً با توجه به این تفاوت‌ها، اهمیت ابزارهای تشویق و تنبیه هم در مذاکرات مختلف یکسان نخواهد بود بلکه با توجه به جرایب شکل‌گیری مذاکرات هویت می‌یابند. اما آنچه با وجود تمامی این تفاوت‌ها، انکارناپذیر جلوه می‌کند همانا ضرورت برخورداری از ابزارهای تشویق و تنبیه در پای میز نشست، به‌وسیله حل‌کردن مذاکرات محاکمه‌کننده است. بازیگر تنها در صورتی باید به قلمرو مذاکره پای بگذارد که از این قابلیت برخوردار باشد که هر زمان طرف مقابل در مسیر مورد خواست او گام برداشت برای ترغیب او به ادامه این سیاست او را تشویق کند و هر گاه آن بازیگر در مسیر غیرمطلوب حرکت کرد برای بازداشتن او از تلاوم این خطمشی او را تنبیه کند.

شارون «هنوز» مرده است!

اما برای فلسطینیان یادآور فجاج و کشتار سه‌هزارنفری در اردوگاه‌های صبرا و شتیلانست که عنوان قصاب لبنان را برایش به ارمان آورد!
خواهده شارون از یهودیان روس، یا بهتر است بگویم بیلوروس بود که پس از جنگ جهانی اول و حکومت بلشویکی در شمار نخستین مهاجران به فلسطین رفتند و از جوانی به فعالیت‌های تروریستی و حرفه نظامی مشغول شد. شارون در پایان‌دادن به اشغال نظامی غزه نقش مهمی داشت. به نظر می‌رسد از آن خروج دوکنه مورد نظر بود، یکی اینکه بقای اشغال و افزایش محبت غزه می‌توانست به بهیم بیشتر جمعیت عرب در آن کشور و عواقب ناشی از آن منجر شود و از سویی نگهاری غزه به نوعی برایشان وپال گردن شده بود. ضمناً در پس سیاست «ایران هراس» کوشید بود؛ شیهه سنگین رافرفتن و سخن‌گفتنش انعکاس یافته بود؛ شیوه ختم‌آوری که عملاً برای نتایجی به ارث گذاشته است!
شارون در برخورد با این نیز با سودجویی از برخی شعارها، با پناه‌گرفتن در پس سیاست «ایران هراس» کوشید و با به‌رمندی از مظلومت‌نمایی به دیوار کشی و آبادی‌سازی در سرزمین‌های اشغالی اقدام کند که جانشینانش به آن ادامه دادند و به‌همین دلیل چشم‌انداز عادی‌شدن روابط ایران و غرب در پی تهاجم ژنو موجب واکنش‌های بی‌تابانه نتایجاو شده است!